

مسجد جامع کبیر قزوین

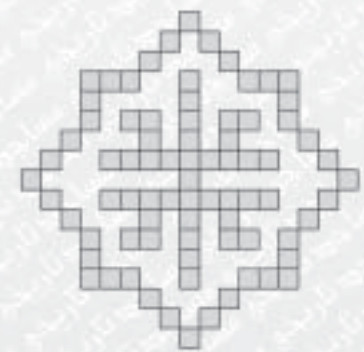
رضا نظری ارشد - رضا مشکینی اصل
کارشناسان ارشد باستانشناسی دانشگاه تهران

جامع کبیر از مهمترین مساجد قزوین است که در محله «دباغان» و در کنار حاشیه غربی خیابان شهدا واقع شده است. می توان ادعا نمود این مسجد نه تنها در قزوین بلکه در سراسر ایران منحصر به فرد و بی مانند است. گنبد و مناره های باشکوه، ایوانهای رفیع، گچبریهای نفیس و ساختمان محتشم آن نشانه بهترین سبک معماری عصر سلجوقی و عهد صفوی می باشد. این مسجد از اجزاء و عناصر مختلفی تشکیل شده که از میان آنها می توان به جلوخان و سر در ورودی، راهرو، مدخل، صحن و حیاط وسیع، ایوانهای چهارگانه، گنبد خمار تاشی، طاق هارونی و شبستانهای وسیع و مختلف اشاره نمود. در این مقال هر یک از اجزا و عناصر تشکیل دهند این جامع عظیم و زیبا به صورت جداگانه مورد مطالعه و معرفی قرار می گیرد.

درها و سردرهای مسجد

این مسجد در قرن هفتم ه. ق درهای متعددی داشته که ذکر هر کدام از آنها در متون تاریخی و جغرافیایی کلاسیک آمده است. پس از حمله مغول تا دوران صفویه از چگونگی وضع مسجد و درهای ورودی آن اطلاعات جامعی در دست نیست. هم اینک جامع مزبور دو در تودرتو در مشرق و در دیگری در شمال غرب دارد. در شرقی که جلو خیابان شهدا واقع شده سردری باشکوه و مجلل دارد، اما بانی آن شناخته نشده، زیرا کتیبه آن ریخته شده است و فقط یک سطر آن باقی است که این جمله خوانده می شود: «به سرکاری کیخسرو غلام خاصه شریفه باتمام رسید کتبه حاج محمد صالح قزوینی ۱۰۷۴»

چون ایوان جنوبی مسجد از بناهای شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه. ق) و تاریخ بنای آن ۱۰۶۹ ه. ق می باشد و تاریخ سردر مزبور هم پنج سال پس از تاریخ بنای ایوان می باشد، از این رو احتمال قریب به یقین این است که سردر مسجد نیز از بناهای آن پادشاه باشد. پس از ۱۱۷ سال که سردر، در شرف ویرانی بوده است

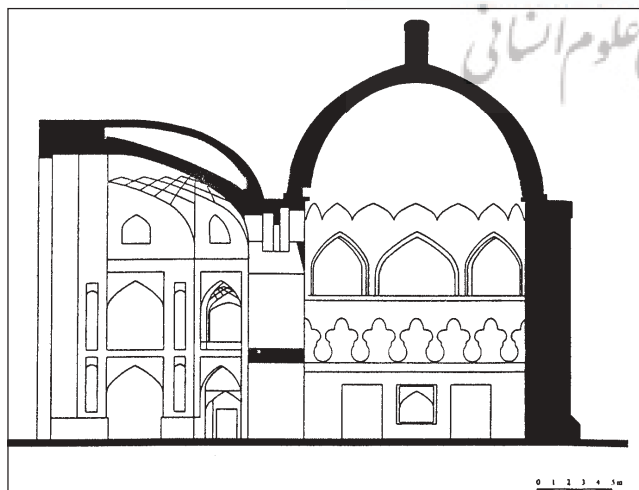


مساجد تاریخی

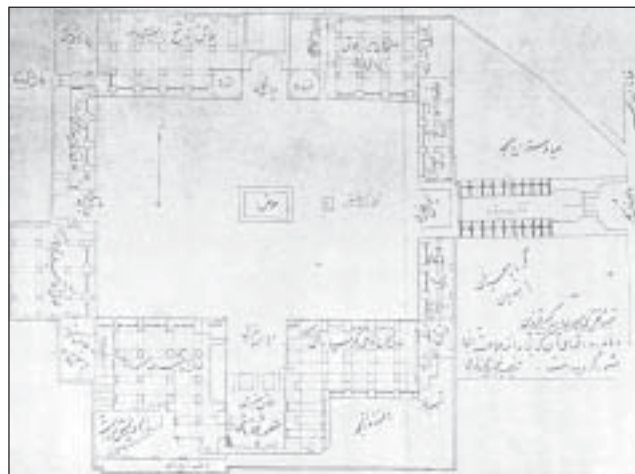
شرق به غرب می باشد. مساحت آن بیش از چهار هزار متر مربع می باشد که در چهار جهت آن چهار ایوان رفیع قرار دارد. در میان ایوانهای مسجد، ایوان جنوبی بلندتر از ایوانهای دیگر است در طرفین ایوان شمالی دو مناره زیبا سر به آسمان کشیده و طرفین ایوان جنوبی دو گوشواره دارد که طاقنمای اشکوب اول با آجر گرفته شده است و از نیمه به بالا جای پنجره‌ای گذاشته اند و سطح آن را گچکاری نموده اند. در دو سوی هر ایوان دو رواق طولانی است که هر رواقی به نام امام جماعت یا پیشنمازی که سالها در آنجا نماز برپا می کرده معروف شده است. رواقهای شرقی از همه باریکتر و رواقهای جنوبی از رواقهای دیگر بزرگتر و وسیعتر می باشد. در قسمت شمال، رواقها متجاوز از یک متر از کف حیاط بالاتر است ولی رواقهای دو طرف شرقی و غربی بیش از نیم متر ارتفاع ندارند. نمای خارجی رواقهای جنوبی - که مختصری از کف حیاط مرتفعترند - از هر طرف ایوان، چهار طاقنماست، و نمای رواقهای شرقی و غربی سر طاقنما می باشد. ولی نمای خارجی رواقهای شمالی از هر طرف ایوان پنج طاقنماست، که با آجرهای ظریف ساخته شده و ستونها و لچکی طاقنماها را با کاشی زینت داده اند. آخرین طاقنمای غربی در طرف جنوب، در بزرگی دارد که راهروی رواق غربی و در زیر زمین یا سرداب مسجد است. طاقنمای انتهای رواق شرقی هم راهروی رواق مزبور می باشد. در بین رواقهای جنوبی دو صغه موجود است، یکی به نام طاق هارونی است که بنای آن منسوب به هارون الرشید است و دیگری طاق احمدیه یا طاق حلاج می باشد. رواقی که در مغربی ایوان جنوبی است و نیز سرداب یا زیر زمین مسجد را سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۲ و ۱۳ ه. ق به امر میرزا علی اصغر خان اتابک و به هزینه وی بنا کرده و رواق واقع در جنوب ایوان غربی را حاج محمد علی به بم، یکی از تجار قزوین، در حدود سال ۱۳۲۰ ه. ق بنیاد نهاده است. کلیه ساختمانهای مسجد از کف حیاط تا دیوارها و پشت بامها از آجر است.

ایوانهای مسجد

مسجد جامع دارای چهار ایوان است. ایوان شرقی را در بین



برش عرضی ایوان جنوبی و گنبدخانه مسجد جامع قزوین



پلان مسجد جامع قزوین

محمد صادق خان نامی از مردم قزوین به سال ۱۱۹۱ ه. ق به تجدید بنای آن پرداخت و کتیبه‌ای از کاشی در آن نصب نمود. ۶۰ سال بعد بار دیگر سردر مزبور نیازمند تعمیر شد. این بار شاهزاده علی نقی میرزای رکن الدوله پسر فتحعلیشاه، فرماندار وقت قزوین، به سال ۱۲۵۱ ه. ق به مرمت آن پرداخت و کتیبه‌ای از سنگ مرمر با خط نستعلیق ممتاز بر آن نصب نمود. آخرین بار که سردر مزبور رو به ویرانی گذارده بود، شخصی به نام حاج مهدی معمار قزوینی، معروف به «سنمار»، سردر و هشتی آن را با آجر تراش به صورت مجلل و زیبایی بنا کرد و این رباعی را که در کاشی منقوش است به رسم کتیبه در آن قرار داد:

این مسجد جامع که بود در قزوین

الحق نبود قرینه اش روی زمین

کریاس درش خراب شد از بنیان

مهدی سنمار زنو ساخت متین

(۱۳۵۳ ه. ق)

همان گونه که قبلاً گفتیم در دوم در قسمت شمال غرب

مسجد واقع شده است.

هنگامی که بخواهیم داخل مسجد جامع بشویم از در بزرگ نخستین به وسیله دالانی روباز به در دوم می رسیم که کریاس آن، پشت ایوان شرقی مسجد واقع شده است، و دو راهرو شمالی و جنوبی طرفین ایوان آن را به حیاط مسجد می پیوندد. عرض دالان مزبور در حدود ۱۰ متر می باشد. در دیگر این مسجد که ابتدا از پشت ایوان غربی بوده بنا به عللی مسدود شده است و در سال ۱۲۷۲ ه. ق در دیگری به خارج باز کرده اند. این در از آخرین طاقنمای شمالی که به دیوار غربی مسجد اتصال دارد، داخل دالان کوتاه سرپوشیده‌ای می شود و به در مزبور منتهی می گردد. از داخل دالان دری به رواق جنوبی می رود و در دیگری به رواق شرقی. یک در هم از شمال به حیاط کوچکی که در شمال دالان است باز می شود. بالای این در که خیلی کوچکتر از در شرقی است، کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی به خط نسخ قرار داده اند.

حیاط مسجد

صحن و حیاط مسجد به شکل مربع مستطیل و درازای آن از



در منتهی به حیاط مسجد از جانب شرق

سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ ه. ق به امر و هزینه میرزا علی اصغر خان اتابک توسط سعد السلطنه بازسازی کرده‌اند، ولیکن از وضعیت اولیه ساختمان آن اطلاعی در دست نیست.

ایوان شمالی

این ایوان و دو منار با شکوهی که در طرفین آن قرار دارد، با کاشیهای رنگارنگ مزین است و به احتمال قوی از بناهای شاه تهماسب صفوی می‌باشد. از آنجا که کاشیهای مناره‌ها و ایوان در اثر مرور زمان ریخته بود، بین سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ ه. ق به امر میرزا علی اصغر خان اتابک، سعدالسلطنه فرماندار وقت قزوین گلدسته‌های مناره‌ها را ساخت و کاشیهای مناره‌ها و ایوان و گنبد را به انجام رسانید. لیکن در سال ۱۳۱۸ ه. ق دوباره این ایوان و مناره‌های آن دچار خرابی شد تا اینکه در سال ۱۳۱۷ خورشیدی مجدداً مرمت شد. در بین سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۵ خورشیدی اداره باستان شناسی سابق گلدسته‌های بالای مناره‌ها را ساخته و هر دو مناره را با لچگهای ایوان شمالی تعمیر اساسی نمود. دهانه ایوان شمالی که قدری از کف حیاط مرتفعتر می‌باشد، در حدود ۱۱ متر و عرضش ۱۱/۵ متر می‌باشد. ارتفاع مناره‌ها نیز از کف حیاط تا نوک گلدسته‌ها ظاهراً معادل ۲۵ ذرع می‌باشد.

ایوان غربی

این ایوان در برابر ایوان شرقی واقع شده و در طرفین آن راهروهای شمالی و جنوبی است که به هشتی پشت ایوان می‌رفته و درب نخستین مسجد در جانب غربی از اینجا بوده است، ولیکن بنا به دلائلی نامشخص آن را به کلی مسدود نموده‌اند. این ایوان نیز از آثار دوره صفوی می‌باشد. از کتیبه آن که به خط نستعلیق بوده تنها دو بیت آخر آن محفوظ مانده که چنین است:
فیضش چو دید افزون زحد گفتا به تاریخش خرد
این طاق گل نبود، بود طاق دل روشندان

[۱۰۸۱]

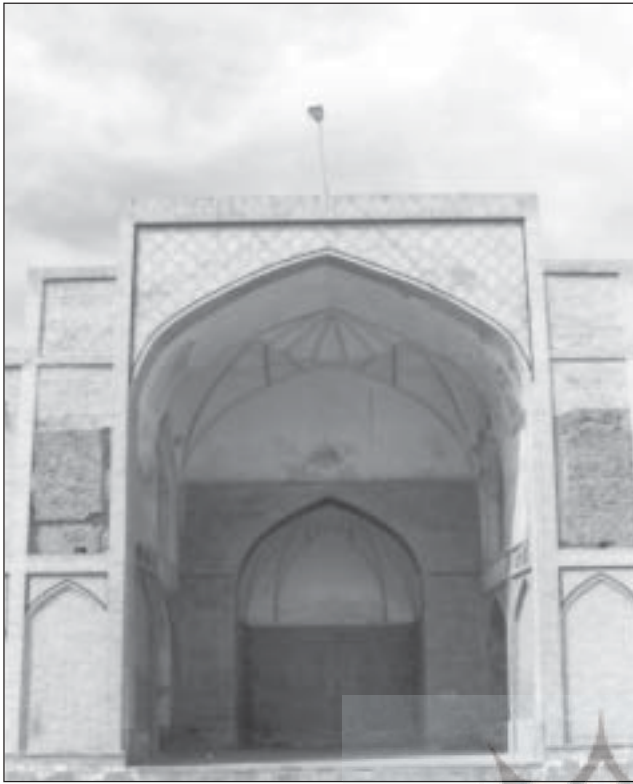


در شرقی و اصلی مسجد (خیابان شهدا)

«کتابه الفقیر کاوس مصور غلام شاه ولایت شریف کاشی پز»
از این رو می‌توان گفت که بنای مزبور در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده و به احتمال بسیار از بناهای همان پادشاه است. دهانه این ایوان هشت ذرع و طول آن یازده ذرع می‌باشد. از ایوان یک راه به رواق جنوبی است و یک ارسی سه چشمه هم از ایوان به رواق شمالی باز می‌شود.

ایوان جنوبی

مهمترین و زیباترین ایوان مسجد ایوان جنوبی است. این ایوان از لحاظ عظمت و رفعت بنا و اسلوب ساختمان و تزیینات متناسب از بناهای کم نظیر شمرده می‌شود. بانی آن شاه عباس دوم صفوی است که به سال ۱۰۶۹ ه. ق به اتمام آن موفق گردیده است. دهانه ایوان چهارده ذرع (۱۴/۵۶) و عرض آن دوازده ذرع (۱۲/۴۸ متر) می‌باشد. ارتفاعش ۲۰ یا ۲۱ ذرع می‌باشد. ازاره‌های ایوان با سنگ و بقیه با آجر تراش بنا شده است. در فواصل آجرها به جای بندکشی با گچ کاشیهای باریک لاجوردی رنگ به کار برده‌اند. روکار قسمت مهمی از ایوان و جبهه بیرونی آن کاشی است. اسلوب ساختمان ایوان به گونه دو اشکوبه‌ای است و اشکوب زیرین سه چشمه در جنوب واقع شده که در واقع مدخل مقصوره یا شبستان زیر گنبد به شمار می‌رود. دو چشمه هم در شرق و غرب است که به رواقهای طرفین گنبد می‌رود. بالای اشکوب اول مطابق چشم‌های تحتانی پنج غرفه فوقانی بنا گردیده که راهرو آنها از پلکانی بین دیوار ایوان و گنبد بوده است،



ایوان غربی مسجد

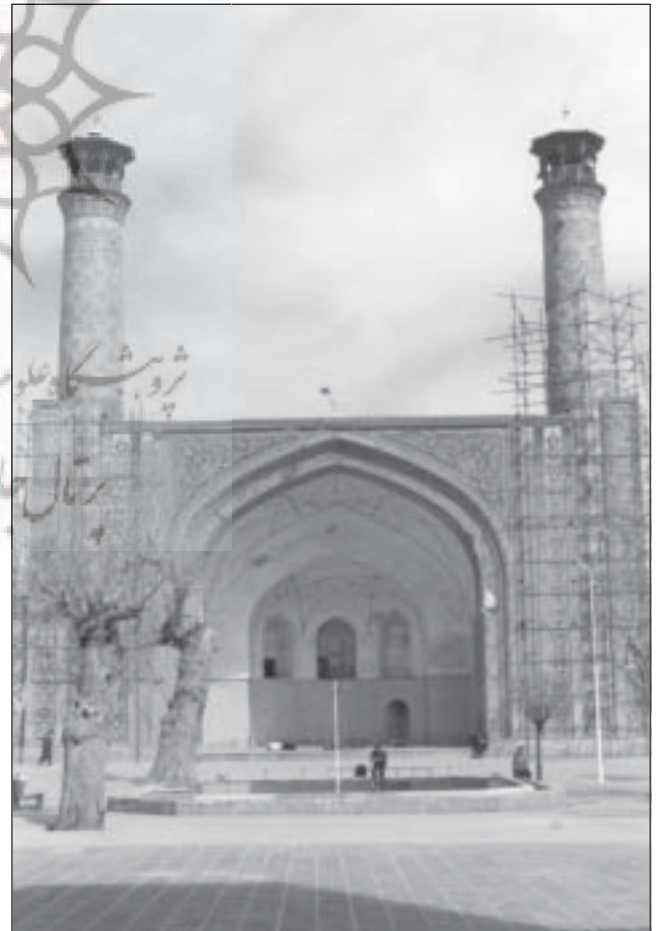
تحمیلات و عوارض منقور شده و کار گذاشته‌اند. لازم به ذکر است که مسطورات این الواح به خط نستعلیق می‌باشد. لوحه سمت راست عبارت است از هشت قطعه سنگ مرمر که در زمان شاه سلیمان صفوی و به فرمان او صادر شده و تاریخ آن سنه ۱۰۸۱ ه. ق می‌باشد. لوحه سمت چپ مربوط به زمان فتحعلیشاه و فرمانداری علینقی میرزای رکن الدوله و تاریخ آن ۱۳۲۸ است. اما موردی میرزا برادر و قائم مقام شاهزاده رکن الدوله، که از جانب برادر خود نیابتاً فرمانداری قزوین را عهده دار بوده است، این لوح را نصب کرد.

شهبستان یا مقصوره که به طاق جعفری معروف است

تاریخ بنای اولیه و اصلی گنبد و بانی آن پیش از آنکه مسجد شود معلوم نیست، به نظر برخی از باستان شناسان از بناهای دوره ساسانی بوده است. اسلوب بنا هم نشان می‌دهد که بقعه نامبرده قبلاً آتشکده بوده و چنانکه مشهور است در زمان عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱ ه. ق) تبدیل به مسجد گردیده است.

در سال ۱۹۲ ه. ق هنگامی که هارون الرشید رهسپار خراسان بوده است به قزوین آمد و جامعی بنا کرد. یا به روایت دیگر به دستور وی بعداً قاضی ابوالحسن محمد بن یحیی بن زکریا و صاحب ابی العباس بن سریح آن جامع را ساخته و پرداختند که تاکنون برپا است و به طاق هارونی معروف است. در ثلث اول سده چهارم اسمعیل بن عباد طالقانی یا رازی معروف به صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله دیلمی با جمعی از یاران خود به قزوین آمد و دو سال در آنجا ماند و عمارات بسیاری که مشهور به صاحب آباد بود در محله در کوشک بنا ساخت. ضمناً مدرسه ای در مجاورت جامع بنا نموده است. در اواخر سده چهارم فخرالدوله

ولی اکنون برای جلوگیری از خرابی ایوان، آن پله‌ها را گرفته و مسدود کرده‌اند. اطراف این دو طبقه نیز کاشیکاری می‌باشد. در ایوان مزبور، دو راهروی که به رواقهای شرقی و غربی می‌رود، اکنون طرف شرقی را مسدود کرده‌اند و راهرو و طرف غربی را هم، در بزرگی (مانند در حیاط) گذارده و قفل کرده‌اند. بین اشکوب اول و دوم کتیبه باریکی است به خط نستعلیق و به رنگ لاجوردی، در کاشی لیمویی رنگ به نام شاه عباس دوم صفوی و با تاریخ ۱۰۶۹ ه. ق در قسمت فوقانی اشکوب دوم کتیبه دیگری است به خط نسخ عالی که سوره مبارکه جمعه به رنگ طلایی در کاشی لاجوردی منقوش است، و آخر آن چنین است: «غلام شاه ولایت شریف کاشی پز». از کتیبه دوم به بالا طاق ایوان شروع می‌شود که عبارت است از طاق مقرنس و دو تیره رومی بند به قطر یک ذرع و طاق آفتابی که با گچ، سفید شده. اما قسمتی از طاق آفتابی خراب است. و فشار طاق مقرنس روی همان دو رومی بند قوسی است. خوشبختانه در سال ۱۳۱۸ ه. ش اداره باستان شناسی این ایوان را که از نیمه خراب بود مرمت نمود. قسمت جنوبی ایوان چنانکه نوشته شد سه چشمه راهرو است که مدخل مقصوره زیر گنبد به شمار می‌رود و دو ستون عظیم که هر یک به قطر نوزده آجر است، این چشمه‌های سه گانه را از یکدیگر جدا می‌کند. در جبهه هر یک از ستونها لوحه‌هایی از سنگهای مرمر صیقلی نصب شده است و در آنها معافی و رفع پاره‌ای



ایوان شمالی مسجد



ایوان شرقی مسجد

صفوی نسبت می دهند و مشهور است که شهریار صفوی آنقدر در مسجد جامع ساختمان کرد که می باید وی را بانی مسجد دانست، اما اکنون آثاری در دست نیست که این نسبت را تأیید نماید. شکل گنبد موسوم به خمارتاشی - که آن را در کتیبه های مقصوره قبه نام نهاده اند - به گفته صاحب آثار البلاد، بطیخی است؛ یعنی خریزه ای شکل می باشد. گنبد مزبور بسیار عظیم است و در ارتفاع بلندی قرار گرفته. روسازی آن از کاشی لاجوردی است و با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته است. مساحت هر ضلع گنبد ۸ ذرع و محیط آن ۵۴ ذرع و ارتفاعش از کف مقصوره تا نوک قبه بالغ بر ۴۵ ذرع و تا زیر طاق در حدود سی ذرع است، لیکن ارتفاع حقیقی آن را برخی بالغ بر ۶۰ ذرع می دانند. کاشیکاری کنونی گنبد نیز به وسیله سعدالسلطنه انجام یافته است. طاق جعفری به صورت مربع متساوی الاضلاع است و هر ضلع آن ۱۴ ذرع است که مساحت سطح آن ۹۶ ذرع مربع می شود. این گنبد و بقعه - چنانکه ذکر آن گذشت - از آثار خیرییه امیر زاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی است. از مقصوره مزبور دو راهرو هر یک به عرض سه ذرع به رواقهای طرفین می رود. همچنین در دیوار شرقی دو ارسی سه چشمه و در دیوار غربی یک ارسی سه چشمه است که به رواقهای شرقی و غربی باز می شود. در وسط دیوار جنوبی مقصوره محرابی است که از سنگهای مرمر صیقلی و شفاف بنا شده و با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته است. یک قطعه از مرمرها که در وسط محراب نصب است بسیار شفاف و صیقلی می باشد. در جبهه محراب کتیبه مختصری است که به دستور شاهزاده علی نقی میرزای رکن الدوله در سال ۱۲۳۸ ه. ق با خط نستعلیق در متن ساروجی گچبری کرده اند. ظاهراً در سال مزبور تعمیراتی به وسیله شاهزاده مزبور در این محراب به عمل آمده و رباعی زیر که اثر طبع شیخ محمد مایل، متولی مسجد است، ماده تاریخ آن می باشد:

این کعبه ز امر شه با تاج و نگین

شاهزاده علی نقی چو بگرفت آئین

مایل چه ملک بسجده تاریخش گفت

از همت شه پای شد کعبه دین [۱۲۳۸]

در قزوین معروف است که بانی این بقعه، گنجی در مسجد

دیلمی شروع به کشیدن دیوار مسجد کرد ولی ناتمام ماند. به واسطه آسبی که به مسجد رسیده بود در سال ۳۹۳ هجری به دستگیری ابوالاحمد کسائی و «ساوه منادی» جامع مزبور تجدید بنا شد و تعمیر گردید. در سال ۴۱۳ به فرموده سالار ابراهیم مرزبان طبقات فرو ریخته صحن بزرگ را از نو ساختند و هزینه فراوانی صرف آن شد. در ضمن قریه زراره هم وقف مسجد جامع و قنات زراره گردید. در شوال سال ۵۰۰ هجری امیر زاهد خمارتاش بن عبدالله عمادی به ساختمان مقصوره بزرگ و گنبد و صحن و مدرسه و خانقاه و چاه خانه آغاز نمود و در رجب سال ۵۰۹ ه. ق بناهای مزبور به پایان رسید و خطیب به این جامع انتقال یافت. دهات و مستغلاتی نیز وقف این بناها نمود که در کتیبه های مقصوره مسجد مذکور است. همچنین پیش سرای جداگانه بزرگی در جانب قبه آن ساخت. پس از آن ملک مظفر الدین آلب ارغون بن برتیش پیش سرای جداگانه دیگری رو به قبه بنا نمود که در آن مجلس تفسیر و حدیث منعقد می شد و در سال ۵۴۸ ه. ق از عمارت آن فراغت یافت. در ۷ شوال سال ۶۱۷ ه. ق که مغول به شهر قزوین تاخت - چنانکه در ظفرنامه حمدالله مستوفی منظوم است - گروهی از اهالی به مقرنس این مسجد پناه بردند. مغولان که پس از سه روز به شهر استیلا یافته بودند و سکنه آنرا از دم شمشیر گذرانیده بودند، برای اینکه پناهندگان مزبور را نیز به زیر آورند و نابود کنند طاق آنجا را آتش زدند. از این پس نوع خرابیها و تعمیرات یا تجدید ساختمان قسمتی یا قسمتهایی از مقصوره و گنبد مزبور معلوم نیست. یعنی آثاری به جای نمانده است تا بتوان دانست که در سده های بعد چه خرابیهایی به جامع - عموماً - و به مقصوره و گنبد خمار تاش - خصوصاً - وارد شده است و چه کسانی به تعمیر یا ساختمان آن مبادرت کرده اند. در زمان صفویه ساختمانهای عیدیه ای در جامع بنا شده که بعضی از آنها ثابت و معلوم است و شرح داده شد، ولی برخی دیگر معلوم نیست. از جمله بنای ایوان شمالی و مناره ها و اکثر رواقها را به شاه تهماسب



ایوان جنوبی (گنبد خمار تاش)

امامان در راه جوسق (کوشک) و همه تاکهای گسترده در راه رو اهر و پایین آن و مشتمل است بر هیجده بستان و یک سهم از دو سهم آسیای معروف به قاسمان با دو بیشه ای که در پشت آن است و در دره دیزج واقع شده و همه آسیابهای قزوین . . .».

کتیبه سوم به خط کوفی ماریچی است و از خاور محراب آغاز شده و به سمت باختر آن ختم می شود، و مشتمل است بر سوره مبارکه بقره از اول تا آخر سوره و خط آن از حیث ظرافت و زیبایی از نوادر صنعت خط محسوب می شود. کتیبه چهارم به خط ثلث است که از جانب خاوری محراب شروع شده و در انتهای ضلع شمالی پایان می یابد و شرح موقوفاتی است که خمارتاش بن عبدالله از خود باقی گذارده و مصارف آنها را نیز تعیین نموده است. کتیبه پنجم به خط نسخ کوفی است که از ضلع غربی شروع شده و در آخر همان ضلع پایان یافته و آن وقفنامه و شرح تقسیم آب و قنات خمارتاش است که در زیر صحن مسجد جامع کبیر جریان دارد. همان گونه که قبلاً نیز بدان اشاره شد امیر خمارتاش در دو سوی مقصوره، دو شبستان دیگر نیز ساخته است، که امروزه به آتشکده معروفند. ایوان و صفت بلندی که در جلو شبستان گنبد دار سلجوقی جای دارند، در دوره صفویه و به سال ۱۰۶۹ ه. ق ساخته شده اند و به بنای سلجوقی متصل گردیده اند. این ایوان به وسیله ساختمان یک نیم گنبد با جبهه ای پهن به پایه گنبد سلجوقی پیوند خورده است. محل اتصال نیم گنبد - که مانند گنبد سلجوقی دو پوسته است - به شبستان چسبیده و با آن چفت و بست شده است. در راهروی این دیوان که به مقصوره اتصال می یابد، دو ستون عظیم قرار دارد که به هر یک از آنها لوحه هایی از سنگ مرمر نصب شده است. مفاد لوح سنگی سمت راست مربوط است به منع و لغو عوارض قیابنداری دارالسلطنه قزوین به سال ۱۰۸۱ ه. ق و لوح دیگر مربوط به لغو و رفع احتمالات دیوانی در قزوین به سال ۱۲۳۸ ق است.

رواقها

بنای رواقهای جامع کبیر - جز دو رواق - بقیه معلوم نیست. آن دو رواق که معلوم است یکی رواقی است که در جانب غربی مقصوره خمارتاش و ایوان شاه عباسی واقع شده که همراه زیر زمین متصل به آن توسط مرحوم سعدالسلطنه و به هزینه میرزا علی



سردر ورودی مسجد از قسمت شمال غربی

گذارده که هر زمان این بنا ویران شد با آن گنج بنای آن را تجدید کنند و از نو بسازند. ولیکن جای گنج را صریحاً معین نکرده و با ابهام گفته است: «یا این میل یا آن میل یا طاق جعفری»؛ یعنی آن گنج نهفته خیالی یا حقیقی در طاق جعفری یا در زیر یکی از مناره ها مدفون است. اهمیت طاق جعفری یا مقصوره خمارتاش - گذشته از رفعت بنا - به سبب نفاست کتیبه های نایابی است که این بنای معظم را در عداد یکی از آثار مهم دوران اسلامی ایران قرار داده است. در این گنبد پنج کتیبه با منتهای ظرافت گچبری شده اند. کتیبه اول به خط ثلث و قلم درشت در هشت ضلعی گنبد گچبری شده و در آن نام سازنده مقصوره و مدت ساختمان آن نوشته شده است. کتیبه دوم به خط کوفی جلی و بسیار زیبا و از نوع مورق است، که عرض آن ۶۸ سانتی متر و حاشیه خطی بالا و پایین آن به قطر ۲ سانتی متر است که با طرزی بدیع و ظریف گچبری شده و نمونه ای از شاهکارهای هنری است که مانند آن در سراسر ایران معدود است. این کتیبه از ضلع غربی پایین تر از کتیبه نخستین



نمای کلی از گنبدخانه، گلدسته های ایوان شمالی و قسمتهای مختلف پشت ایوان جنوبی مسجد

آغاز شده و از طول دیوار غربی تا مقداری از دیوار جنوبی امتداد می یابد. این کتیبه یک ردیفه، سه ضلع مربع دیوار شبستان را در برگرفته و دنباله کتیبه بعد از کلمه «عقودها» به صورت کتیبه دو ردیفه با کلمه «وسجلاتها» آغاز و تا پایان کتیبه ادامه یافته است. در ضلع شمالی به واسطه معبر ایوان به گنبد، چند متری بریدگی وجود دارد و مجدداً از خاور شروع می شود و تا انتهای دیوار شرقی ادامه می یابد. در طرفین این بریدگی خطوط، ریخته شده است. هر دو طرف دو ردیفه (دو سطر) به عرض ۳۴ سانتی متر که جمع عرض کتیبه در دو سطر ۶۸ سانتی متر می باشد. این قسمت دارای سه حاشیه خطی جمعاً به عرض ۶ سانتی متر می باشد. در این کتیبه چند قسمت مختصر ریخته شده و بقیه سالم است و هیچگونه کلمات ناخوانا نیز ندارد. در این کتیبه خمارتاش آنچه را که از قراء و مزارع وقف این مسجد کرده نام برده است، که در اینجا متن فارسی کتیبه ذکر می شود:

«خدای والا گفته است خوبیهایی که برای خود پیشاپیش می فرستید آنها را نزد خدا خواهید یافت و آن از نظر خوبی و مزد از چیزهای دیگر بهتر است. خمارتاش پسر عبدالله می گوید: وقف نمودم بر این گنبد و مدرسه متصل بدان سه ربع قریه هراس آباد و ۱۵ سهم از قریه جیوران و همه بستان جیلاز (جیلان) و همه بستان



نمونه ای از گچبریهای مقصوره مسجد، عبارت الحق المبین هذا من فضل ربی است، بر می گردد. این نظریه چندان دور از ذهن نمی نماید، زیرا بر اثر کاوشها و پیگیریهای باستان شناسی در برخی از مساجد کهن ایران آثار معماری دوران قبل از اسلام - به خصوص ساسانی - به وفور مشاهده شده که این خود مبین این نظر است که مسلمانان پس از یورش به ایران و تصرف آن هم به جرات احترام به اعتقادات، آداب و مکانهای مذهبی مردم و هم به خاطر اینکه دین جدید می بایست مکانهایی را برای عبادت تازه مسلمانان فراهم نماید اقدام به ساختمان مساجد در جای معابد یا آتشکده های ایرانی نمودند، که چندین نمونه از آنها تاکنون مشاهده شده است. بسیاری از مورخین و محققین از پیش از سده های میانی تاکنون از قبیل ابن فقیه، حمدالله مستوفی، زکریای قزوینی، آرتورپوپ، کریستی ویلسن، ایرون اسمیت و برخی دیگر که درباره معماری این مسجد و آثار تزئینی آن مطالعات دقیق علمی و تاریخی نموده اند، همگی برآنند که مجموعه ساختمان جامع کبیر قزوین مانند مسجد جامع اصفهان متعلق به ادوار مختلف تاریخ ایران می باشد و حتی قسمتی از مسجد جامع قزوین را به مناسبت دارا بودن طاق هارونی، از گنجینه آثار تاریخی مسجد جامع اصفهان قدیمتر می دانند. لازم به ذکر است که این مسجد به شماره ۱۲۱ نیز در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. چنانکه در متن مقاله نیز بارها بدان اشاره شد، این مسجد در گذر زمان و بر اثر حوادث مختلف دچار تخریب شده ولیکن هر بار به وسیله افراد خیر و علاقمند به موارث فرهنگی و اسلامی با صرف هزینه و وقت بسیار نسبت به مرمت قسمتهای تخریب شده اقدام نموده اند. هم اکنون نیز اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین مشغول انجام فعالیتهای حفاظتی و مرمت در کلیه قسمتهای این مسجد می باشد، که در جای خود شایسته سپاس و تقدیر فراوان است.

اصغر خان اتابک در بین سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ ه. ق ساخته شده است. و دیگری رواقی است که در جنوب ایوان غربی مسجد واقع شده. همان گونه که قبلاً ذکر شد آن را هم مرحوم حاجی محمد علی به بم، یکی از تجار قزوین، پس از ۱۳۲۰ هجری تجدید بنا نموده است.

سخن آخر

مسجد جامع کبیر قزوین شاهکاری از معماری اوائل قرن ششم ه. ق و همزمان با حکومت سلجوقیان بر ایران می باشد. ولیکن در دوره های بعد از قبیل ایلخانی، تیموری و بخصوص صفوی نیز شاهد ساخت و سازها یا تعمیراتی در این مسجد تاریخی می باشیم. به گونه ای که هر یک از سلاطین این سلسله ها به جهت ماندگار نمودن نام و یاد خود دستور ساختمان قسمتهای جدیدی را در این جامع کهن داده اند و نام خود را به وسیله معماران حاذق به صورت کتیبه های متعدد در قسمتهای مختلف مسجد به یادگار گذارده اند. چنانکه نظر برخی از پژوهشگران و باستانشناسان را مبنی بر اینکه ساختمان اولیه مسجد بر روی بقایای آتشکده ای از دوران ساسانی برپا شده است پذیریم، قدمت این مسجد به زمانی بسیار قدیمتر از آنچه که اکنون آثار آن باقی



ایوان جنوبی و طاقنماهای ضلع جنوبی و شمالی

منابع:

۱. آصف زاده، محمد باقر، قزوین در گذرگاه هنر، قزوین، انتشارات بحرالعلوم، ۱۳۷۴
۲. بناهای تاریخی قزوین، اداره کل ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳
۳. پیرنیا، محمد کریم، سبکهای معماری ایرانی، تهران، نشر پژوهنده، ۱۳۸۰
۴. همو، شیوه های معماری ایرانی، تهران نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹
۵. حاتم، غلامعلی، معماری ایران در دوره سلجوقی، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۹
۶. زارعی، باب الله، کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳
۷. زنده دل، حسن، استان قزوین، تهران، نشر ایرانگردان ۱۳۷۷
۸. گلریز، محمد علی، مینودر یا باب الجنة قزوین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷
۹. ورجاوند، پرویز، سرزمین قزوین، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹
۱۰. همو، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷